

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

پژوهشی بر ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مونث عصر نوسنگی (مطالعه موردی: غرب ایران)*

دکتر مهدی مرتضوی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

ساره سلیمانی

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

با ورود انسان به دوره نوسنگی و تغییر شیوه معیشت از جمع‌آوری و گردآوری غذا به تولید غذا از طریق کشاورزی و دامداری، آفرینش آثار هنری و نمادین در راستای تغییر شیوه معیشت تغییر می‌کند. شیوه معیشت کشاورزی، وابستگی زیاد به زمین، باروری و حاصلخیزی آن را در پی داشت و انسان عصر نوسنگی به دنبال پیدا کردن راه‌های مختلف برای استفاده و بهره‌وری بیشتر و مطمئن‌تر از زمین و رونق بیشتر کار کشاورزی بود. اتفاقات طبیعی‌ای که معیشت او را دستخوش تغییر می‌کردند، غیرقابل پیش‌بینی و پیشگیری بودند و همواره وجود داشتند. بنابراین، انسان عصر نوسنگی تلاش می‌کرد تا به مدد باورها و آداب آیینی از مواهب زندگی برخوردار و از مضرات آن دوری جوید. در واقع، به دلیل وابستگی انسان دوره نوسنگی به محیط و طبیعت اطرافش همواره وی سعی می‌کرد تا به نوعی بر این عوامل طبیعی مسلط گردد. بنابراین، آفرینش پیکرک‌ها و سمبل‌ها جهت نیل به این منظور مورد توجه او قرار گرفت. آفرینش پیکرک‌های مؤنث و مبالغه در نمایش اندام‌های مربوط به باروری و زایش حکایت از

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: m_mor2002@gmail.com

soleimani.sareh@gmail.com

این دارد که این پیکرک‌ها، به عنوان سمبل‌های حاصلخیزی و باروری جهت تضمین و تامین معیشت کشاورزی و در امان ماندن از مخاطرات آن مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

واژگان کلیدی

سمبل، پیکرک، مؤنث، معیشت، نوسنگی، غرب ایران.

۱- مقدمه

همزمان با شروع دوره نوسنگی در غرب ایران شاهد افزایش تعداد پیکرک‌های مؤنث در این منطقه می‌باشیم. باستان‌شناسان در ابتدا این یافته‌ها را صرفاً آثار هنری مردم دوره نوسنگی می‌پنداشتند، اما با رشد علم باستان‌شناسی و ورود متخصصان حوزه‌های مختلف به این رشته، مشخص شد که این یافته‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصشان دارای معانی سمبلیک هستند. به عبارت دیگر، این آثار نتیجه اندیشه و تفکر انتزاعی و مرتبط با باورها و اعتقادات آیینی و مذهبی مردم پیش از تاریخ می‌باشند و بازتاب یک تغییر مهم در زندگی انسان‌های این دوره هستند. این تغییر مهم، تغییر شیوه معیشت از از شکار، جمع‌آوری و گردآوری غذا در طول دوران پارینه‌سنگی و فراپارینه‌سنگی به تولید غذا از طریق دامداری و کشاورزی در دوره نوسنگی می‌باشد.

در طول دوره پارینه‌سنگی و فراپارینه‌سنگی که شاهد آفرینش نخستین آثار هنری انسان ابتدایی می‌باشیم، جالب‌ترین آثار هنری این دوران، تصویر جانورانی است که بر سطح دیوار غارها و پناهگاه‌های سنگی نقر یا حکاکی شده‌است. محققین عقیده دارند که هدف نهایی انسان شکارگر - جادوگر از این نقاشی‌ها مسلط شدن بر جانورانی بوده که در عالم واقع خودش شکار می‌کرده‌است، انسان شکارگر احتمالاً باور داشته‌است که با نقاشی صحنه شکار حیوانات، بر همان گونه حیوانی که می‌خواهد آن‌را در فضای باز شکار کند، سلطه جادویی پیدا می‌کند. از نظر او کشیدن تصویر حیوان، انتظار وی برای شکار آن حیوان بود که دیر یا زود رخ می‌داد. در واقع، این آثار اولین تجلیات اندیشه انسان با انگیزه‌های کاربردی، بدون توجه به هنری بودن آنهاست، که انگیزه اصلی در راستای شیوه

معیشت یعنی شکار بوده و این آثار را در راستای تضمین و تامین معیشت خود می‌آفریده است.

اما با ورود انسان به دوره نوسنگی و تغییر شیوه معیشت از شکار و گردآوری غذا به تولید غذا از طریق دامداری و کشاورزی و لزوم یکجانشینی و زندگی در دشت‌ها، آفرینش آثار هنری و سمبلیک را در قالب پیکرک‌های مونث مشاهده می‌کنیم؛ و نیز از آنجایی که معیشت کشاورزی وابستگی زیادی به زمین و باروری آن داشت، انسان عصر نوسنگی همواره به دنبال پیدا کردن راه‌های مختلف برای استفاده و بهره‌وری بیشتر از زمین برای تامین معیشت خود و غلبه بر نیروهایی بوده که به نوعی معیشت او را تهدید می‌کرده است.

در تحقیق حاضر با نگاهی متفاوت نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیکرک‌های مونث مانند: پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و مطالعه تحلیلی پیکرک‌های زنان در فلات مرکزی در دوره نوسنگی» که وفور پیکرک‌های مؤنث در دوران نوسنگی را بیانگر وجود نظام زن‌سالار و حاکمیت زن در جوامع این دوره می‌داند و آن را نشان‌دهنده جایگاه خاص اجتماعی زن می‌داند و معتقد است که ریشه در نقش فعال اجتماعی و اقتصادی زن در کار کشاورزی دارد (فرشی همایون روز: ۱۳۸۳) و پایان‌نامه «پیکرک‌های دوره نوسنگی در منطقه غرب و فلات مرکزی ایران» که به ویژگی‌های پیکرک‌های مؤنث در دوره نوسنگی و معرفی و مطالعه ریخت‌شناسی پیکرک‌های دوره نوسنگی در محوطه سراب در غرب ایران و تپه زاغه در فلات مرکزی ایران می‌پردازد (میری: ۱۳۷۳) و پایان‌نامه «پژوهشی بر پیکرک‌های مؤنث در آسیای صغیر» که به ریخت‌شناسی پیکرک‌های مؤنث در محوطه‌های مختلف آسیای صغیر و مقایسه درون و برون فرهنگی پیکرک‌های مؤنث آسیای صغیر پرداخته، و نیز به حیات فرهنگی و اجتماعی در دوره نوسنگی و نقش زن در این جوامع اشاره کرده (امان‌اللهی وفایی: ۱۳۷۷)؛ در این پژوهش خارج از مقوله هنری و ریخت‌شناسی صرف با بیان نظرات مختلف پیرامون ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مونث، به انگیزه و علل ساخت این پیکرک‌ها و کارکردشان در میان ساکنان عصر نوسنگی

غرب ایران پرداخته می‌شود و اینکه میان این پیکرک‌ها و رفتار اقتصادی و شیوه معیشت مردم این منطقه چه ارتباطی وجود دارد.

۲- ویژگی‌های کلی عصر نوسنگی

لازمه پی بردن به ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مونث و دلیل افزایش ساخت این پیکرک‌ها در خلال عصر نوسنگی این است که جنبه‌های مختلف زندگی انسان این دوره را مورد مطالعه قرار دهیم تا پی ببریم چه عامل یا عواملی سبب ساخت این پیکرک‌ها با ویژگی‌های منحصر به فرد شده است. گودون چایلد آثار و بقایای فرهنگی این دوره را در تمام منطقه، انقلابی در فرهنگ انسانی معرفی کرده و آن را «انقلاب نوسنگی» نامیده است. به عقیده وی این همان دوره‌ای است که انسان طی آن یکجا نشینی را بر تردد و حرکت دائم از نقطه‌ای به نقطه دیگر برگزید. به طور کلی، چایلد «انقلاب نوسنگی» را در کنار هم قرار گرفتن چهار عامل عمده می‌داند که عبارتند از: ۱- نبودن این دوره نسبت به پیش ۲- تهیه و کاربرد ابزار و وسایل سنگی متنوع تر و تخصصی تر ۳- تولید غذا ۴- استقرار متناسب با تولید غذا و تولید و مصرف سفال (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۵: ۹۴). در واقع، تمام بخش‌های زندگی انسان از مادی‌ترین تا نمادین‌ترین قسمت آن از تأثیرات این رویداد در این مقطع از تاریخ بی‌بهره نمانده‌اند. مسکن، فنون، جمعیت، ساختار اجتماعی، شیوه اشتغال، سرزمین، تولیدات هنری، باورها و... نیز تحت تأثیر این رویداد قرار گرفته‌اند. همانطور که گفته شد، آثار و تولیدات هنری که از جمله آنها پیکرک‌های مونث می‌باشند، تحت تاثیر این رویداد قرار گرفتند، در ادامه بحث به این مقوله می‌پردازیم که آفرینش پیکرک‌های مونث تحت تاثیر کدامیک از این عوامل و رویدادها بوده است.

یکی از مظاهر انقلاب نوسنگی، تولید غذا از طریق کشاورزی و دامداری توأم با یکجانشینی می‌باشد. طبیعت و ذات هر موجود زنده به طریقی است که جهت ادامه حیات به غذا نیازمند است و هر یک از انواع موجودات به شیوه‌های

مختلف و خاصی به تأمین غذای مورد نیاز خود می پردازند، انسان نیز مانند تمام موجودات زنده در تمام اعصار و دوره‌ها به گونه‌ای در تلاش برای تأمین معاش خود بوده است. با توجه به آثار و شواهد بر جای مانده از انسان پیش از تاریخ، این موضوع آشکار گردیده که بیشترین تحول و تلاش در تأمین و تولید غذا در دوره نوسنگی صورت گرفته است. تولید غذا عبارت است از کنترل انسان بر تولید مثل در نبات و حیوان که فرآورده‌های مفید فایده آن‌ها به‌عنوان بخشی از مجموعه‌های مواد غذایی مورد نیاز و مصرف انسان برای ادامه بقا نقش اساسی دارا هستند (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۵: ۱۱۹). انسان در دوره نوسنگی بتدریج با انتخاب انواع نباتات و ایجاد شرایط مناسب برای رشد آن‌ها به کشت و زرع می‌پردازد و به این ترتیب، با گذشت زمان، گونه‌های گیاهی را بهبود می‌بخشد (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). البته کشاورزان اولیه به منابع وحشی شدیداً اتکا داشته‌اند و این به دلیل نامطمئن بودن آن‌ها از میزان محصول کشاورزی و همین‌طور آسیب‌های احتمالی‌ای که گیاهان را تهدید می‌کرده، بوده است. لذا مشاهده می‌شود که با وجود محصول فراوان کشاورزان اولیه همچنان به امور دیگری همچون شکار و گردآوری دانه‌های وحشی مشغول بوده‌اند.

۳- عصر نوسنگی در غرب ایران

۶۰ سال پیش و زمانی که مراحل قدیمی تاریخ به‌عنوان موضوع اصلی تحقیقات باستان‌شناسی قرار گرفت، کشف قدیمی‌ترین مکان‌هایی که شواهدی برای اهلی شدن حیوانات و گیاهان را دارا بودند، در اولویت قرار گرفت، تحقیقات بر روی آن‌ها متمرکز و این مکان‌ها شناسایی شدند (برنیک، ۱۳۸۷: ۲۲۴). برای توصیف دقیق مراحل شروع کشاورزی در غرب ایران مدارک بسیار نادر و ناقص است، در هیچ منطقه‌ای از خاور نزدیک امکان ندارد که بتوان انطباق‌ها و تحولات کوچک و فرعی را با اطمینان توصیف کرد و به تشریح مراحل انتقال از گردآوری غذا به تولید غذا پرداخت.

مرحله نخستین کشاورزی و اهلی کردن در غرب ایران در محوطه‌هایی همچون آسیاب، گنج دره و شاید دوره بزمرد در تپه علی کوش و نخستین لایه‌های گوران در ایران قابل پیگیری می‌باشد. به گزارش قوم‌شناسان گروه‌هایی که اصولاً شکارورز و گردآورنده بودند، به تدریج به کشاورزی محدود روی آوردند. محتمل به نظر می‌رسد که در این مرحله انتقال، کوشش جدی برای کشت زمین به شیوه دیم صورت گرفته باشد. این مرحله از زندگی بشر در مناطق کوهستانی زاگرس نسبتاً طولانی و در حدود نه هزار تا هفت هزار ق.م بوده است (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۸۶-۸۲).

حال باید بینیم در محوطه‌های نوسنگی سراب، آسیاب، گنج دره، عبدالحسین و گوران در غرب ایران (نقشه: ۱) همزمان با شروع دوره نوسنگی شیوه معیشت چگونه بوده و همزمان ساخت پیکرک‌های مونث از لحاظ کمی و کیفی به چه طریق بوده است.

تپه سراب: سراب تپه کم‌ارتفاعی است که در ۷ کیلومتری شرق شهر کرمانشاه در زمین‌های زراعی روستای ده پهن واقع شده است. دره کرمانشاه دارای زمین‌های قابل کشت و آب و حیوانات وحشی است، و این منطقه برای زندگی روستایی بسیار جذاب و مناسب بوده است. آب فراوان از رودخانه قره سو قابل دسترس است و یک چشمه در شمال تپه واقع شده (Broman Morales, ۱۹۹۰: ۱). از آثار به جای مانده از تپه سراب مشخص می‌شود که این ناحیه کشاورزی طی چند قرنی که با دهکده آسیاب فاصله دارد، ترقی محسوسی کرده است. ابزار و ادوات زراعتی و همچنین بقایای غذا و جویات نشان می‌دهند که ساکنان این دهکده گندم و جو کشت می‌کرده‌اند (اسکندری، ۱۳۷۷: ۱۲۹-۱۲۸). و نیز با توجه به مقدار آب کافی و مجاورت تپه با محل رویش طبیعی گندم و جو وحشی به نظر می‌رسد این مکان محل مناسبی برای رویش گیاه بوده و با توجه به درصد بالای تیغه‌های سنگی یافت شده، تصور می‌شود کشت گیاه و دروی آن از فعالیت‌های جنبی در جهت تأمین معاش انسان‌های این دوره بوده است (جان ملکی ده کماران، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

قدیمی‌ترین آثار به دست آمده از ایران که در آن‌ها فرم‌ها به گونه‌ای موثر و شاید دلپذیر بیان یک‌اندیشه را آشکار می‌سازند، پیکره‌هایی گلینی هستند که از حفریات دهکده دوران نوسنگی در تپه سراب کرمانشاه به دست آمده‌اند (پرادا، ۲۵۳۷: ۷) (جدول: ۱). این مکان دارای بیشترین پیکرک‌های کوچک انسانی در ایران می‌باشد (۷: ۲۰۰۴: Daems). در این تپه از هفت گونه پیکرک‌های انسانی به دست آمده، به جز دو گونه همگی مونث‌اند و ۱۸ پیکرک از ۶۵۰ پیکرک این مجموعه مذکرند. در این مورد مورالس حفر تپه می‌گوید: این نشان می‌دهد که پیکرک‌های مذکر از اهمیت زیادی برخوردار نبوده‌اند (Broman Morales, ۱۹۵۸: ۳۸۱).

به‌طور کلی ۷ نوع پیکرک کوچک انسانی در تپه سراب به دست آمده:

۱- پیکرک‌های نوع درازکش ساده (۳ مورد): این پیکرک‌ها دلالت بر وضعیت خوابیده دارند و بچه‌ها را نشان می‌دهند، و همه آن‌ها به صورت ناقص و ابتدایی ساخته شده‌اند و جزئیاتی ندارند که به وسیله برش نشان داده شده‌اند. جنسیت این پیکرک‌ها مشخص نیست، و اغلب در قسمت دست‌ها و پاها شکسته شده‌اند (شکل ۱).

۲- پیکرک‌های نوع نشسته ساده (۱۷ مورد): که پیکرک‌هایی هستند با تنه و باسن مثلثی شکل که به وسیله برش‌هایی بزرگ نمایش داده شده‌اند، جنسیت این پیکرک‌ها مشخص نیست و اغلب در قسمت سر و کمر شکسته شده‌اند (شکل ۲).

۳- پیکرک‌های نیم تنه مؤنث با سینه‌های گرفته شده و دست‌های باز و گشوده (۱۵ مورد): که اغلب در قسمت سر، کمر، دست‌ها و پاها شکسته شده‌اند (شکل ۳).

۴- پیکرک‌های نیم تنه مذکر با دست‌های باز و گشوده (۱۸ مورد): که اغلب در قسمت سر، دست‌ها و پاها شکسته شده‌اند (شکل ۴).

۵- پیکرک‌های ترکیبی (۳۰۵ مورد): در این پیکرک‌ها سرها، پستان‌ها همراه با نوک پستان، پاها و دست‌ها به صورت جدا از هم قالب ریزی شده‌اند و سپس به هم متصل شده‌اند. این پیکرک‌ها در یک روش ناتورالیستی نمایش داده

شده‌اند و افراد چاق و تپل را نشان می‌دهند، این پیکرک‌ها زنان باردار را نشان می‌دهند که در قسمت سر و کمر شکسته شده‌اند (شکل: ۵).

۶- پیکرک‌های تجریدی زنان ساقه‌ای شکل (۱۰۲ مورد): که فرم ساده شده نوع قبلی می‌باشند و فاقد پوشش می‌باشند و دارای تزییناتی در زیر شکم و بالای پاها می‌باشند که حاکی از وجود لباس نیست، و اغلب در قسمت سر و پاها شکسته شده‌اند (شکل: ۶).

۷- پیکرک‌های تجریدی زنان حلزونی (۱۶۸ مورد): که بدن یا گردن منحنی شکل همچون حلزون دارند که اغلب در قسمت سر و پاها شکسته شده‌اند (شکل: ۷) (Daems, ۲۰۰۴: ۸).

تپه گنج دره: گنج دره تپه کوچک مخروط شکلی است که در داخل مزرعه ای در کنار راه کرمانشاه به هرسین نزدیک روستای گیسوند در ده کیلومتری شهر هرسین واقع شده و رودخانه گاماسباب از حدود ۵ کیلومتری این تپه می‌گذرد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۵۷). درباره خوراکی گیاهی ساکنان گنج دره احتمالاً گونه‌های اولیه گندم وحشی و شاید حتی جو وحشی در ارتفاعات این محوطه قادر به رویش بوده‌اند و بهره برداری و حتی زراعت آن‌ها توسط ساکنین محوطه میسر بوده است. به هر حال، تنها مقدار اندکی بذر کربنیزه شده در گنج دره پیدا شده است. هیچ نشانه آشکاری از این دانه‌ها بر روی سفال‌ها و یا اندودها دیده نشده است. تنها می‌توان گفت گندم و شاید جو در میان دانه‌های کربنیزه شده مشاهده می‌شوند، ولی وضعیت دقیق آنها روشن نیست، با این حال شواهد غیر مستقیمی روند تحول برخی از انواع گیاهان خوراکی را به گونه ای قطعی مورد تایید قرار می‌دهد. مانند تعداد زیادی هاون، دسته‌هاون و سنگ آسیاب در تمامی لایه‌ها بجز لایه E به دست آمده است و نیز در لایه D انبارهایی با دیوارهای گلی خمره‌ها، تغارها و سیلوه‌ها وجود دارند که بیانگر شیوه معیشت کشاورزی می‌باشند (فرهنگی، ۱۳۶۹: ۲۰۶).

کهن‌ترین محل ایران که پیکرک‌های گلی حیوانی و انسانی، مهره و صفحه‌های مدور گلی از آن به دست آمده، گنج دره می‌باشد که قدیمی‌ترین

پیکرک‌های گلی حیوانی و انسانی از طبقه استقرار E و بیشترین تعداد پیکرک‌های گلی از طبقه استقرار D به دست آمده‌اند. تعدادی از آن‌ها بسیار طبیعی ساخته شده بودند و پیکرک‌های حیوانی شبیه گوسفند و یا بز ساخته می‌شدند (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۶۱). ۱۱۳ پیکرک انسان گونه از گنج دره پیدا شده که این پیکرک‌ها یا از مخروط‌های گلی در بخش‌های متفاوتی قالب‌ریزی شده‌اند تا قسمت‌های مختلف بدن را نمایش بدهند یا برعکس برای برجسته نشان دادن پستان‌ها و شکم ترکیب شده‌اند تا به این طریق بارداری را نشان بدهند (جدول ۲: ۳) (Daems, ۲۰۰۱). این پیکرک‌ها به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱- پیکرک‌های ساده، با مشخصه‌هایی که روی گل‌کنده کاری شده است، البته جنسیت این پیکرک‌ها مشخص نیست (شکل ۸).

۲- پیکرک‌هایی که با جمع کردن گل روی شکم پیکرک سعی کرده‌اند تا آن را ورم کرده و برجسته نشان دهند تا امکان نشان دادن یک زن باردار فراهم باشد (شکل ۹).

۳- پیکرک‌های دارای پایه که این پیکرک‌ها نوعی کمربند دارند که دور پایه پیکرک بسته شده تا نوعی پشتیبانی و حمایت را انجام دهد، این پیکرک‌ها زنان باردار را نشان می‌دهند (شکل ۱۰).

۴- اشکال ترکیبی پیکرک‌ها، به این صورت که پیکرک‌ها دارای چندین تکه برش شده بر روی بدن هستند، یعنی قسمت‌های مختلف بدن پیکرک را جداگانه ساخته و سپس به هم متصل کرده‌اند (شکل ۱۱): Daems, ۲۰۰۴, (۵-۶).

تپه آسیاب: تپه آسیاب برجستگی کوچکی مشرف بر رودخانه قره سو است که در حدود ۵ کیلومتری شرق کرمانشاه واقع شده (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۴۵). کشف ابزارهای مقدماتی کشاورزی و حتی نوع گندمی که دستگاه گوارش انسانی به طور هضم نشده دفع کرده است، سطح بسیار ابتدایی زندگی زراعتی را نشان می‌دهد و این خود می‌رساند که ساکنان آسیاب در حال گذار از

گردآوری به تولید غذا بوده‌اند (اسکندری، ۱۳۷۷: ۱۲۷). علاوه بر اینکه در تپه آسیاب سنگ ساب و مهره‌های سنگی و قطعه‌ای از یک دستبند مرمری پیدا شده، همچنین قطعاتی از پیکرک‌های گلی نیز به دست آمده. در میان پیکرک‌ها نوعی پیکرک گلی به دست آمد که به صورت پلاک‌هایی با صورت انسانی بودند (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

تپه عبدالحسین: تپه عبدالحسین در شهرستان دلفان در شمال استان لرستان قرار دارد (نقشه ۵-۵-۱۷)، این تپه در آب قشلاق و به فاصله کمی از روستای عبدالحسین واقع شده (Alizade, ۱۹۹۸: ۱۴۷). در این تپه جو دو ردیفه، گندم‌ایمر (Emmer) و عدس شناسایی شده، که رواج جو و گندم‌ایمر و نبود گندم‌اینکورن (Einkorn) نشان‌دهنده این است که اهلی کردن گیاهان در این تپه در مراحل نخستین خود نیست، بلکه بازتاب یک انتخاب آگاهانه از طرف ساکنین عبدالحسین است (Alizade, ۱۹۹۸: ۱۴۷). و نیز در این محوطه ابزارهایی مانند هاون و سنگ ساب که در بستری گلی تعبیه شده بودند و بیانگر کشاورزی می‌باشند، کشف شدند (هول، ۱۳۸۶: ۱۱۲). به طور کلی، ادوات سنگی به دست آمده از تپه عبدالحسین را که بیانگر شیوه معیشت کشاورزی هستند، می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱- دسته‌هاون ۱۲ قطعه

۲- سنگ ساب ۵ عدد

۳- و هاون سنگی (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۵۷-۲۵۵).

از این تپه ۱۲ عدد پیکرک انسانی نیز به دست آمده که اکثراً پیکرک زنان می‌باشند (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۵۶-۲۵۵).

تپه گوران: تپه گوران در بخش هلیلان شهرستان شیروان چرداول و در استان ایلام و در دره حاصلخیز هولیلان در شرق روستای گوران واقع شده (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). از جهت اقتصادی چنین به نظر می‌رسد که ساکنین اولیه گوران از رموز کشت و زرع کاملاً بی‌اطلاع بودند، ولی احتمالاً همزمان با ایجاد بناهای خشتی در وضع اقتصادی آن‌ها نیز یک دگرگونی پدید

آمده و کشاورزی متداول شده (جان ملکی ده کماران، ۱۳۸۲:۵۰). در تپه گوران پیکرک‌های حیوانی و انسانی مذکر و ۳ پیکرک گلی مؤنث وجود دارد که از گل و سنگ و استخوان و گاهی نیز از صدف ساخته شده‌اند (Daems, ۲۰۰۴:۹).

بنابراین، همزمان با آغاز شیوه معیشت کشاورزی و تولید غذا در غرب ایران شاهد آفرینش پیکرک‌های مؤنث نیز هستیم، در حقیقت همزمان با روی کار آمدن تولید غذا و کشاورزی، ساخت پیکرک‌های مؤنث را نیز مشاهده می‌کنیم. پس از مشخص شدن اینکه آفرینش پیکرک‌های مؤنث تحت تاثیر کدامیک از تغییرات نوسنگی بوده، در ادامه به این مقوله می‌پردازیم که چه ارتباطی بین شیوه معیشت کشاورزی و تولید غذا و رفتار اقتصادی انسان عصر نوسنگی و آفرینش پیکرک‌های مؤنث وجود دارد.

۴- ارتباط بین شیوه معیشت کشاورزی و آفرینش پیکرک‌های مؤنث

طبیعت و ذات هر موجود زنده به گونه‌ای است که جهت ادامه حیات به غذا نیازمند است. معیشت و تهیه غذا یکی از دغدغه‌های اساسی بشر در هر دوره و زمانی بوده است و همیشه ترس و نگرانی ناشی از به خطر افتادن منابع غذایی با او همراه بوده، به همین دلیل به دنبال پیدا کردن راهی برای تضمین و تامین معیشت خود بوده، به عنوان مثال، در دوره پارینه سنگی که آغاز آن همزمان با ظهور انسان در پهنه گیتی است، انسان برای تامین نیازهای غذایی خود به طور مداوم در قلمرو زیستی خود در تردد بوده و با جمع‌آوری میوه‌ها و دانه‌های خشکبار و مهم‌تر از همه شکار، امرار معاش می‌کرد (ملک‌شهمیرزادی: ۱۱۴، ۱۳۷۸).

نقاشی‌های غار، تندیس‌های گلی حیوانات، پیکرک‌های مؤنث و آثار مادی به جای مانده از قربانی حیوانات نمونه‌هایی از بقایای به جا مانده از دوره پارینه‌سنگی هستند (دنیکن، ۱۳۷۵: ۶۷). اما عظیم‌ترین آثار انسان‌های دوره پارینه سنگی شامل صحنه‌های نقاشی می‌باشد که کم و بیش همه آن‌ها جانوران را بازنمایی کرده‌اند. هدف آفرینندگان این آثار تاحدی ناشناخته است، برخی

صاحب‌نظران به قیاس با فرهنگ‌های قبیله‌ای بر جای مانده چنین استنباط کرده‌اند که این نقاشی‌ها تلاشی برای دست یافتن به سلطهٔ جادویی بر جانوران از راه شبیه‌سازی آن‌ها بوده است، جانورانی که انسان‌های نخستین برای تغذیه آن‌ها را شکار می‌کردند؛ و معتقدند این نقاشی‌ها مربوط به آیین باروری و حاصلخیزی هستند (یونگ، ۱۳۸۳: ۳۵۸).

انسان پیش‌ازتاریخ معتقد بوده است که با نقاشی حیوان روی دیوار غار و فرو کردن نیزه به تن او، در شکار موفق خواهد شد. هم‌چنین تصور می‌کرده که ترسیم حیوان، دارای قدرت جادویی است و با نقاشی حیوان و حمله به آن در نقاشی، در روز شکار نیز، وقتی با حیوان روبرو می‌شود، پیروز خواهد شد و این بیانگر تلاش برای تهیه غذا می‌باشد. در واقع، هنر اولیه روی دیوار غارها با یک اندیشهٔ جادویی پیوند داشت و رابطهٔ هنر، جادو، کار، اقتصاد، شکار و خوراکی که از نیازهای اصلی انسان نخستین بودند، شکل‌گرفت (گاردنر، ۱۳۶۵: ۳۵-۳۳).

تقریباً اکثر محققان در این خصوص که هنر غار برای انسان دورهٔ پارینه سنگی نوعی جادو برای دستیابی به شکار بوده است، اتفاق نظر دارند. آرنولد‌هاوزر در این خصوص معتقد است که از نظر انسان این دوره، میان جهان واقعی و تصاویر تفاوتی وجود نداشت. وقتی او حیوانی را در حالی به تصویر می‌کشید که نیزه ای در بدنش فرو رفته بود، آن حیوان را واقعی می‌پنداشت و تصور می‌کرد که آن‌را در اختیار دارد. از نظر او کشیدن تصویر حیوان، انتظار وی برای شکار آن حیوان بود که دیر یا زود رخ می‌داد (هاوزر، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۳).

هم‌چنین، چایلد معتقد است تندیس‌ها و نقاشی‌های پارینه‌سنگی تنها بیان یک «انگیزه هنرمندانه» مرموز نیست. بدون تردید، هنرمند از خلق آن‌ها لذت می‌برده است، ولی نمی‌توان گفت که کسب لذت هدف‌غایی وی بوده است؛ بلکه این تصاویر نتیجهٔ یک انگیزهٔ اقتصادی مهم بوده‌اند. حقیقت این امر در مورد نقاشی‌ها و کنده کاری‌های درون غارها بیش از همه مشهود است، زیرا این تصاویر عموماً در گوشه‌های تاریک و اعماق غارهای آهکی، آنجا که آفتاب هرگز نمی‌تابیده، کشیده شده‌اند. هیچ خانواده‌ای یا گروهی هرگز در این محل غارها

زندگی نکرده‌اند و راه یافتن به آن قسمت، غالباً بسیار دشوار است. به علاوه هنرمند در هنگام کار غالباً ناگزیر بوده است در حالت‌های بسیار سختی باشد؛ مثلاً به پشت بخوابد و... بدیهی است که ناچار بوده است در پرتو نور مصنوعی ضعیفی کار کند. و نیز تصاویر تقریباً همیشه نمایشگر چهره واقعی جانوران مختلف می‌باشند (چایلد، ۱۳۵۴: ۸۵-۸۳). در واقع، اکنون شکی باقی نمانده که ایجاد این (نقاشی‌های درون غار) بخشی از آیین جادویی بوده است که به منظور تأمین شکاری موفقیت آمیز اجرا می‌شده‌اند (جنسن، ۱۳۵۹: ۱۲).

پس از دوره پارینه سنگی، بشر وارد مرحله فراپارینه سنگی می‌شود که از لحاظ اقتصاد معیشتی، دوران گردآوری غذا نامیده شده است، در این دوران که از ۱۲۰۰۰ سال پیش آغاز می‌شود، انسان در جمع‌آوری غذا علاوه بر انتخابی عمل کردن، مقداری را برای تأمین نیاز فوری به مصرف می‌رسانیده و قسمتی را نیز برای مصرف در آتیه‌ای نزدیک ذخیره می‌کرده است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۸: ۱۱۴). نقاشی‌های پناهگاهی به عنوان آثار هنری دوره فراپارینه سنگی، و در شرایطی که شیوه معیشت اصلی همچنان شکار می‌باشد، مانند نقاشی‌های درون غار در دوره پارینه سنگی به صورت جادویی برای دستیابی به شکاری موفقیت آمیز بودند و هدف نهایی انسان شکارگر از ترسیم این نقاشی‌ها مسلط شدن بر جانورانی بود که برای تغذیه آن‌ها را شکار می‌کرد. با توجه به آنچه درباره جادو در دوره پارینه سنگی و فراپارینه سنگی گفته شد، ذکر این نکته ضروری است که جادو در ادیان ابتدایی با آنچه در تصور ماست، تفاوت دارد. در آن ادیان جادو عبارت است از مراسمی برای دل‌جویی و مدد خواهی از نیروهای طبیعت (توفیقی، ۱۳۸۵: ۱۱). نقاشی‌های مذکور نقش جادویی و سحرآمیزی داشتند و معمولاً افراد این نقوش را بر روی دیواره غارها ایجاد می‌نمودند و آرزوی خود را که همان شکار بود، بر روی دیواره‌ها نقش می‌کردند تا شاید در عالم واقع بهتر بتوانند به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. به علاوه با ایجاد این نقوش که در زندگی آن‌ها مهم بود، با این عمل امید به فراوانی آن‌ها را در عالم واقع تسهیل می‌نمودند.

با شروع دوره نوسنگی انسان‌ها فرا گرفته بودند چگونه آذوقه سالیانه خود را با تلاش شخصی تهیه و تأمین سازند، به دور یکدیگر گرد آمدند و جامعه‌های روستایی را تشکیل دادند؛ در این وضع طبعاً نظم و نسقی نوین اساس زندگیشان قرار گرفت. در واقع میان دوره نو سنگی و پارینه سنگی، تفاوت‌های کلی به وجود آمد که یکی از این تفاوت‌ها تغییر در نوع معیشت و شیوه تأمین غذا بود. تغییر زندگی از شکارورزی به کشاورزی که با تغییر آب و هوا، بعد از آخرین دوره یخبندان در حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش آغاز گردید، موجب تغییرات کلی در فرهنگ، هنرها، آیین‌های نیایش و از طرف دیگر، موجب نوآوری‌هایی در زندگی انسان گردید. انسان دوره نوسنگی با کوله‌باری از اعتقادات بازمانده از فرهنگ پارینه سنگی و با نگرشی نو نسبت به جهان اطراف، به متحول ساختن شیوه حیات، اقتصاد و معیشت خود، جهت سازگار شدن هر چه بیشتر با شرایط جدید زیست - محیطی پرداخت. یکی از این تغییرات روی آوری آدمی به زمین و کشت آن و پیدا کردن راه‌های مختلف برای بهره‌وری هر چه بیشتر از آن بود. کشت و زرع برای وی در این دوره، امر مقدسی بود و در رشد و بالندگی حیات آیینی او نقش اساسی داشته است. در واقع از این دوره به بعد است که آفرینش آثار هنری و سمبلیک در راستای تغییر نوع معیشت تغییر می‌کند. معیشتی که وابستگی کامل به زمین و باروری آن دارد و انسانی که به دنبال پیدا کردن راه‌های مختلف برای استفاده و بهره‌وری بیشتر از زمین می‌باشد.

آدمی در دوره نوسنگی با دقت و بینشی بیش از پیش چشم به آسمان و زمین دوخته بود و با صبر و شکیبایی و پشتکار خود منتظر رویدن دانه‌ها و درو کشتزارها بود و شاید در این مرحله خود را در رابطه و پیوندی تنگاتنگ با محیط کیهانی پیرامون خویش می‌بیند، و با مدد از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، روی به آیین‌ها و مراسم عبادی می‌آورد و به تفکرات دینی خود ابعاد وسیع و جدیدتری می‌دهد (چایلد، ۱۳۵۴: ۱۴۱). دلیل این امر این است که زندگی برای کشاورزان سخت بود و یک خشکسالی، یک تگرگ و طوفان به معنای قحطی است. از طرف دیگر، یک بازار جهانی وجود نداشت که با کمک آن بتوان

کمبود محصول یک منطقه را با مازاد منطقه دیگر جبران نمود. انواع منابع غذایی آن‌ها محدود بود، همه انواع محصولاتشان، دام‌ها و شکارهایشان ممکن بود به‌سادگی در اثر یک بلای ناگهانی از میان برود. در نتیجه اجتماع کشاورزان به ناگزیر متکی به قدرت‌هایی است که باران نازل می‌کنند، آفتاب می‌تابانند و رعد و طوفان گسیل می‌دارند، ولی این قدرت‌ها سبکسر و مرگبارند و به هر قیمتی که هست، باید آن‌ها را خشنود نمود و آرام کرد. در نتیجه زمانی که انسان توانست به خود بقبولاند که به آیین ساحران‌ای دست یافته که بر این ضرورت چاره‌ای و بر این مهم تدبیری است، این اعتقاد در برابر وحشت‌های زندگی آن چنان تسکین بخش شد که کسی را یارای سربازدن از آن نبود (چاپ‌لد، ۱۳۵۴: ۱۳۸-۱۳۷).

در دوره نوسنگی، این نحوه تفکر بشر در مورد طبیعت اطرافش سبب می‌شد که وی آثار هنری خود را با هدف و محتوای آیینی بیافریند. یعنی هنر وی گرایش و راستای آیینی داشت. همانطور که گفته شد، انسان این دوره علل بروز بسیاری از پدیده‌های طبیعی را نمی‌دانست، و در نتیجه تلاش می‌کرد تا به مدد باورها و آداب آیینی از مواهب این پدیده‌های طبیعی برخوردار و از مضرات آن در امان باشد؛ به همین دلیل تصاویر و اشیایی آیینی را خلق کرده است که در نظر او با نیروهای کنترل‌کننده طبیعت و جهان هستی در ارتباط بودند. و به همین دلیل این تصاویر و اشیا را به گونه‌ای نمادین و سمبلیک می‌ساخت تا علاوه بر معنای آشکار و معمول خویش، معنای پنهانی را که مد نظرش بود، داشته باشند.

یکی از این آثار هنری و سمبلیک در دوره نوسنگی پیکرک‌های مؤنث هستند، که به صورت قوایی که محصول نیکو و پر خیر و برکت وابسته به آن‌هاست، جلوه می‌کنند. در واقع آفرینش پیکرک‌های مؤنث به عنوان یکی از آثار سمبلیک دوره نوسنگی از مظاهر تلاش انسان در همین راستا و برای افزایش باروری و حاصلخیزی زمین می‌باشد. تا با آفرینش پیکرک‌های مؤنث در وضعیت‌های مختلف مانند: باروری، زایش و... بین باروری این پیکرک‌ها و محصول دادن و حاصلخیزی زمین ارتباط برقرار کنند.

پس از مشخص شدن ارتباط بین تغییر شیوه معیشت در دوره نوسنگی و آفرینش پیکرک‌های مونث، به این مقوله می‌پردازیم که انسان عصر نوسنگی از ساخت پیکرک‌های مونث چه هدف و انگیزه‌ای را دنبال می‌کرده و چرا اندیشه‌تأمین و تضمین معیشت کشاورزی در قالب ساخت پیکرک‌های مونث ظهور و بروز یافته. برای بیان کاربرد ها و دلایل ساخت پیکرک‌های مونث در عصر نوسنگی به ارائه نظرات اندیشمندان مختلف پیرامون مفهوم و کارکرد این پیکرک‌ها می‌پردازیم.

۵- ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مونث

اگر به گستره کاربردها یا دلایل ساخت پیکرک‌ها فکر کنیم، به چندین پیشنهاد دست می‌یابیم: تعویذ، طلسم، ابزار روایی، تصویر اجداد، ارواح و خدایان (۱: ۱۹۹۸، Schmandt)، توکن، ابزار آموزشی، قطعات بازی، اشیای جادویی؛ و کاربرد در آیین دینی، مراسم جادویی و مراسم مذهبی (Banning, ۲۰۰۴: ۴-۲۱) که همه این احتمالات تا حدودی مورد اعتماد هستند. یعنی همانطور که مردم به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند و کلمات مختلف را برای توصیف یک چیز واحد استفاده می‌کنند، یک شیء یا ایده ممکن است در انواع مختلف به صورت سمبولیک بیان شود (Renfrew, ۱۹۹۹: ۳۷۰).

هنرمندانی که در فرهنگ‌های پیش از تاریخ به پیکرک‌های زنانه شکل‌هایی خاص و پر معنا بخشیده‌اند، وسیله و سخنگوی روح زمان خود بوده‌اند. نمونه‌های مختلف پیکرک‌ها در فرهنگ‌های پیش از تاریخ ایران آن قدر به وفور ساخته و پرداخته شده است که به سادگی می‌توان پی‌برد آفرینندگان این نوع آثار تجسمی، مقصودی فراتر از رایه درج‌ات هنری خود داشته و در صدد بوده‌اند به ارزش‌های زمان‌شان فرم دلخواه و مورد پسند مردم را بدهند. هر گاه به ارتباط و پیوند دائمی هنر با اندیشه مذهبی در تمام طول تاریخ زندگی بشر نگاه کنیم، تکرار پی‌درپی و بی‌وقفه ساخت و پرداخت پیکرک‌ها را در فرهنگ‌های پیش از تاریخ مرتبط با اندیشه مذهبی ساکنان قدیم سرزمین کهن می‌بینیم (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: ۷۱).

پیکرک‌ها و اندام جنسی مونث جزو نخستین تراوشات ذهنی بشرند. ساخت این پیکرک‌ها بی‌تردید از اهمیت موجود «ماده» در جامعه سرچشمه می‌گرفته. این اهمیت موجب می‌شود که تصویر زن از ناخود آگاه ضمیر انسان خارج شده، در خود آگاه او بروز کند و به تصویر درآید (همان: ۳۵).

تعدادی از باستان‌شناسان عقیده دارند که پیکرک‌های زنانه صرفاً زنان را نمایش می‌دهند، در قبرها قرار می‌گیرند تا نیازهای جنسی مرده را پس از مرگ برآورده سازند، یا نذری‌هایی هستند که برای آیین‌های حاملگی یا دفع شر به معابد هدیه می‌شوند (۱۹۸: ۱۹۷۷, Ackerman). بریدوود معتقد است پیکرک‌های کوچک زنان که به نظر می‌رسد باردار باشند و بر ویژگی‌های زنان آن‌ها بسیار تأکید شده است، مثل پیکره «ونوس‌ها» یا «تندیس‌های مادر»، نمایش نیروهای بزرگ طبیعت - حاصلخیزی و تولید زندگی منظور بوده است. (بریدوود، ۱۳۶۳: ۱۳۳) بایلی معتقد است «اگر معنایی برای پیکرک‌ها وجود داشته باشد، اگر آن‌ها کارکردی داشته باشند، معنا و کارکردشان این است که فلسفه‌هایی بودند برای انسان بودن» (۱۲۴: ۲۰۰۷, Bailey). جیمز در مورد انگیزه و علل ساخت و کارکرد پیکرک‌های مؤنث معتقد است که در رمزی بودن پیکرک‌ها حرفی نیست، اما اینکه این‌ها الهه مادر (Mother-Goddess) هستند یا نه، بحثی جداگانه است. اما آنچه به اطمینان می‌توان گفت، این است که آن‌ها بر حرمت مادرانه به عنوان یک قاعده و اصل اشاره دارند و به طور مسلم سمبل‌هایی از مادر و صفت‌های منسوب به او (باروری، زایش و...) هستند و حتی می‌توان گفت که این پیکرک‌ها به عنوان طلسم و بت مورد توجه بوده و کثرت آن‌ها در واقع بیانگر یک نوع تفکر آیینی و نیایش عمومی بوده است James (۴۷-۴۶: ۱۹۶۰). میرچا الیاده پیکرک‌های پیش‌تاریخ را با پدیده‌های مختلفی چون باروری، رشد، جفت‌گیری، تدفین، آشنا سازی، توالد و شیردهی مرتبط می‌داند و معتقد است که این پیکرک‌ها بی‌تردید عناصری برجسته و ممتاز در زندگی و تفکر آیینی مردمان آن زمان بوده‌اند (۳۶: ۱۹۸۶, Eliade). هم‌چنین کوون پیکرک‌ها را با اعتقادات مذهبی، آیینی، تغییرات اجتماعی و

تکنولوژیکی در دوره نوسنگی مرتبط می‌داند) هرچند معتقد است تغییرات نمادها بر تغییرات تکنولوژیکی مقدم بوده است) (Cauvin, ۲۰۰۰: ۱۰۶-۱۰۸).

در واقع، فعالیت‌های آیینی با توجه به فهمی خاص، درباره چگونگی کار جهان کاملاً منطقی به نظر می‌رسند. آیین‌ها تنها برای کسانی غیرعقلانی جلوه می‌کنند که نمی‌توانند منطق خاص متعلق به برهه خاصی که آن فعالیت‌ها را سبب می‌شد، بپذیرند (۲۸۷: ۲۰۰۷, Bruck). در همین راستا وقتی گفته می‌شود پیکرک‌ها جنبه‌ای آیینی دارند، به این معنی نیست که از ماهیتی نمادین و غیرعقلانی برخوردارند. بنابراین، نباید تصور کنیم که این پیکرک‌ها بدون هدف و از روی تفنن و سرگرمی ساخته شده‌اند؛ چرا که پیکرک‌ها عموماً تلخیص شده هستند و در نقاط مختلف جهان نمونه‌های متفاوتی از این گونه پیکرک‌ها را می‌بینیم. پذیرش کارکرد پیکرک‌ها به عنوان اسباب بازی نیز کمی سخت است (Schmandt, ۱۹۹۷: ۵۶؛ Uko, ۱۹۶۲: ۴۵). اما نفس وجود پیوندی بین کودکان و پیکرک‌ها با توجه به مدارک قوم‌شناختی غیرقابل انکار است. داده‌های انسان‌شناختی نمونه‌های متعددی از کودکان را که خود به ساختن پیکرک‌های انسانی و حیوانی می‌پرداختند در اختیار می‌گذارد (Uko, ۱۹۶۲: ۴۵). ماسکارلا در این مورد می‌گوید: «شک دارم که این پیکرک‌ها عروسک‌ها و یا اسباب بازی‌های ساده‌ای بوده‌اند و بندرت زنان بومی و محلی را به تصویر می‌کشیدند.» (Muscarella, ۱۹۷۱: ۷۵). عده‌ای مانند کمپ معتقدند «ساخت پیکرک‌ها درس‌های عملی خاصی را درباره کیفیات اساسی گِل به کودکان می‌آموخته است» (Kamp, ۲۰۰۱: ۴۴۶). در بخش‌های خاصی از آفریقا پیکرک یک زن باردار در جلسه‌ای آموزشی به دختران نشان داده می‌شد تا به آن‌ها یادآوری شود که وقت زایمان این پیکرک فرارسیده است (Uko, ۱۹۶۲: ۴۵). گامبریج معتقد است تمثال‌ها یا پیکرک‌ها از آن روی ساخته می‌شوند که آنان را در برابر قدرت‌های دیگر، که به زعم ایشان همچون نیروهای طبیعت، واقعی‌اند، حفظ کنند. به عبارت دیگر، تصویرها و تندیس‌ها برای جادو [و دفع جادو] به کار می‌رفتند. (گامبریج، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۸). برای جمع‌بندی بحث کارکرد

پیکرک‌ها، تقسیم‌بندی اکو (UKO) از پیکرک‌های انسانی را می‌آوریم که پیکرک‌ها را بر حسب نقش و عملکردشان به پنج گروه تقسیم کرده:

- پیکرک‌های نیایش و پرستش: که موجودات ماوراءالطبیعی را نمایش می‌دهند، و در درجه اول به عنوان سمبل‌ها یا اشیای پرستش مورد استفاده بودند.

- ابزار جادو: که پیکرک‌های کوچک مورد استفاده در مراسم و آیین‌ها برای تولید، پیشگیری یا تغییر شرایط خاص یا حالت خاص اختصاص می‌یافتند.

- پیکرک‌های آموزشی: برای آموزش نوجوانان در مورد انواع مناسب رفتار استفاده می‌شد.

- اسباب بازی یا وسایل سرگرمی: برای سرگرم کردن یا بازی بچه‌ها استفاده می‌شدند.

- نمایش در گذشتگان: که به عنوان اسباب و وسایل خاکسپاری و تدفین استفاده می‌شدند.

اکو این تقسیم‌بندی را بر اساس مواد به کار رفته در تولید و ساخت پیکرک‌ها، ریخت‌شناسی و موقعیت پیکرک‌ها در محل ارائه کرده است (Daems, ۲۰۰۴: ۴).

در واقع، پیکرک‌ها منبع مهمی از اطلاعات دربارهٔ مذهب دورهٔ نوسنگی هستند، و ما تحت تأثیر نشانه‌های اغراق آمیز زنانه در این پیکرک‌ها قرار می‌گیریم. منطقی است که تصور کنیم این پیکرک‌ها ویژگی‌های انتزاعی زنانه و یا قدرت را ارائه می‌دهند. قدرت مافوق عشق، باروری و تولد. بسیاری از محققان پیکرک‌ها را مظهر باروری و الهه (رب‌النوع) مؤنث می‌دانند، اما هیچ یک از متخصصین به‌درستی نمی‌دانند که آیا همهٔ این پیکرک‌ها یک الههٔ خاص یا الهه‌های متفاوتی را نشان می‌دهند (Muscarella, ۱۹۷۱: ۷۵). از آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که بدون تردید پیکرک‌ها معنی ویژه‌ای داشته‌اند. و در میان مردم دورهٔ نوسنگی بی‌شک نوعی عقیده به جادوی خوش خیم وجود داشته است که در اثر ساختن این گونه پیکرک‌ها همراه با آن حاصلخیزی و ثروت رو به فزونی می‌گذاشته است (پرادا، ۲۵۳۷: ۹).

آغاز دوران تولید غذا با ایجاد فرهنگ برکت (fertility culture) همزمان می‌شود و صفت برکت‌زا بودن زن، در پیکرک‌هایی با عناصر اغراق آمیز زنانه به خوبی نمایان است. گاهی این پیکرک‌ها به صورت باردار و گاهی همراه با فرزند خود نشان داده شده‌اند. در واقع زن باردار، تمثیلی از زن تولیدکننده و به وجود آورنده است (۲۷-۵۴: Mellaart, ۱۹۶۷). ارتباط باروری زمین با بارگیری زن از ویژگی‌های شاخص جوامع کشاورزی است. هر چند به مرور زمان، الهه زمین جای خود را به دیگر خدایان و الهگان برزیگری داد، اما هم چنان به عنوان آیینی اولیه و ابتدایی در بین خدایان دیگر قابل تشخیص بود. زمین با تمام آنچه نگاهدار و در برگیرنده آن‌هاست، از آغاز، منبع لایزال هستی‌هایی بوده که بی‌واسطه بر انسان مکشوف می‌شده‌اند. زمین در نخستین تجارب مذهبی یا اشراقات اساطیری، تمامی جاهایی بود که پیرامون انسان وجود داشت. زمین در عین حال، منبع نیرو روان و باروری تلقی می‌شود و این همان مفهوم زمین-مادر است (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۵۰-۲۳۸).

پرستش سمبل‌هایی از جنس مؤنث چندین هزار سال ادامه می‌یابد، اما بتدریج برخی تحولات سبب کم‌اهمیت شدن یا حذف این سمبل‌ها شد. این تحولات به دلایل مختلفی چون افزایش جمعیت و نیاز به سازماندهی و مدیریت در کشاورزی و در نتیجه افزایش نقش کلیدی مرد، هم‌چنین بروز جنگ و درگیری میان اقوام مختلف و افزایش اهمیت قدرت بدنی مرد رخ داد و بدین ترتیب، از نقش آیینی و اجتماعی زن کاست (هینس، ۱۳۸۳: ۵۱).

۶- نتیجه گیری

انسان همواره برای رفع نیازمندی‌های خود به امدادهای غیبی متوسل می‌شده، هرچند در این توسل در دوره‌های مختلف اندک تفاوتی نیز دیده می‌شود که شاید دلیل آن تفاوت نوع نیازهای بشر در ادوار مختلف باشد؛ از آنجایی که یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر تامین غذا و تضمین معیشت مورد نیازش بوده، می‌توان گفت که تغییر شیوه معیشت از دوره‌ای به دوره دیگر، یکی از عوامل تاثیر گذاربر

این رفتار بوده. همانطور که در دوره پارینه سنگی و فراپارینه سنگی که شیوه اصلی معیشت شکار حیوانات مختلف بوده، انسان های این عصر، همواره در تلاش و کوشش مداوم برای انجام شکار موفق و تضمین منابع شکار خود بوده‌اند. در همین راستا شاهد آفرینش نقاشی‌ها و کنده کاری هایی در درون غارها و پناهگاه‌های سنگی که محل زندگی و اسکان انسان‌های این عصر بوده، می‌باشیم. موضوع این نقاشی‌ها و کنده کاری‌ها بازنمایی جانوران می باشد، جانورانی که انسان های این عصر برای تغذیه خود آن‌ها را شکار می کردند. برخی از این نقاشی‌ها صحنه شکار حیوانات توسط شکارچی را نشان می دهند و برخی جانور را درحالی نشان می دهند که نیزه ای در بدنش فرو رفته و حالات مختلف دیگر. هدف او از این نقاشی‌ها تلاش برای دست یافتن به سلطه جادویی بر جانوران از راه شبیه سازی آن‌ها بوده و معتقد بوده که با نقاشی حیوان روی دیوار غار و فرو کردن نیزه به تن او، در شکار آینده خود پیروز می شود. هم چنین، تصور می کرده که ترسیم حیوان، دارای قدرت جادویی است و با نقاشی حیوان و حمله به آن در نقاشی، در هنگام شکار نیز وقتی با حیوان روبرو می‌شود، پیروز خواهد شد و این بیانگر تلاش برای تهیه غذا می‌باشد. در واقع، هنر اولیه روی دیوار غارها با یک اندیشه جادویی پیوند داشت و رابطه هنر، جادو، کار، اقتصاد، شکار و خوراک را که از نیازهای اصلی انسان نخستین بودند، نشان می دهند.

در راستای همین تفکر، در دوره نوسنگی که انسان از غارها و پناهگاه‌های سنگی به سمت دشت‌ها می‌آید و یکجانشین می‌شود و شیوه معیشت خود را از شکار و جمع‌آوری غذا، به تولید غذا از طریق دامداری و کشاورزی عوض می‌کند، این تلاش برای تامین و تضمین غذا را به گونه ای دیگر در رفتار او مشاهده می‌کنیم. به این صورت که شیوه معیشت کشاورزی در وحله اول وابسته به زمین مرغوب و بارور است و از آنجایی که انسان پیش از تاریخ به درستی علل بروز بسیاری از پدیده‌های طبیعی و دلایل رشد و باروری گیاهان را نمی‌دانسته و رویش گیاهان را به صورت یک معجزه می‌دانسته، معتقد بوده به منظور رام کردن نیروهای طبیعت، باید از آن نیروها تجلیل کرد و از آن‌ها درخواست لطف و احسان داشت؛

در واقع به نوعی تلاش می‌کرده تا معیشت خود را تضمین کند. یکی از مظاهر تجلی این قدرت نهفته در زمین و ضمیر انسان پیکرک‌های مؤنث هستند، زیرا تجلی قدرت زمین بایستی در عنصری نمایش داده می‌شد که دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های زمین، مانند حیات دادن، پروراندن و... باشد. می‌توان گفت: آفرینش پیکرک‌های مؤنث به عنوان یکی از آثار سمبلیک دوره نوسنگی از مظاهر تلاش انسان در همین راستا و برای افزایش باروری و حاصلخیزی زمین می‌باشند، تا با آفرینش پیکرک‌های مؤنث در وضعیت‌های مختلف مانند: باروری، زایش و... بین باروری این پیکرک‌ها و محصول دادن و حاصلخیزی زمین ارتباط برقرار کنند تا زمین‌های کشاورزی بارور شوند و به این طریق معیشت خود را تضمین کنند.

در غرب ایران ساخت پیکرک‌های مؤنث یعنی دستاوردهایی از دو اعتقاد بنیادین پرستش باروری و طبیعت را در آغاز عصر نوسنگی و همزمان با آغاز شیوه معیشت کشاورزی در محوطه‌های سراب، آسیاب، گنج دره، عبدالحسین و تپه گوران مشاهده می‌کنیم که بیانگر یک تفکر مشابه درباره علل و انگیزه ساخت این پیکرک‌هاست، که همان تلاش برای باروری و حاصلخیزی بیشتر زمین در دوره آغاز کشاورزی بوده است. تا با آفرینش پیکرک‌های مؤنث در وضعیت‌های مختلف مانند: باروری، زایش و... بین باروری این پیکرک‌ها و محصول دادن و حاصلخیزی زمین ارتباط برقرار می‌کنند.

کتابنامه

۱. اسکندری ا.، در تاریکی هزاره‌ها، به کوشش علی دهباشی، تهران، قطره، ۱۳۷۷.
۲. الیاده م.، رساله در تاریخ ادیان، جلال ستاری، تهران، سروش، ۱۳۸۵.
۳. بریدوود ر.، انسان‌های پیش از تاریخ، ترجمه اسماعیل مینوفر، تهران، جیران، ۱۳۶۳.
۴. برنیک ر.، ایران در دوره نوسنگی، ترجمه امیر ساعد موجشی، باستان پژوه، سال دهم، شماره ۱۷، صص ۲۷-۱۸، ۱۳۸۷.
۵. پرادا ا.، هنر ایرانیان باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، دانشگاه تهران، ۲۵۳۷ شاهنشاهی.
۶. توفیقی ح.، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۵.

۷. جان ملکی ده کماران ن.، بررسی الگوهای معیشتی منطقه زاگرس مرکزی در فاصله زمانی فراپارینه سنگی تا نوسنگی قدیم، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
 ۸. جنسن ه. و.، پژوهشی در هنرهای تجسمی از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹.
 ۹. چایلد گ.، انسان خود را می سازد، ترجمه احمد کریمی و محمد هل اتائی، تهران، فرانکلین، ۱۳۵۴.
 ۱۰. دینکن ا. ف.، اسرار عصر حجر، ترجمه: قدیر گلکاریان، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
 ۱۱. فرهنگی ع.، بازتاب چهار فصل حفاری تپه گنج دره توسط فلیپ اسمیت، فصلنامه اثر، شماره ۱۹-۱۸، صص- ۲۰۳، ۱۳۶۹.
 ۱۲. گاردنر ه.، هنر در گذر زمان، محمد نقی فرامرزی، تهران، آگاه، ۱۳۶۵.
 ۱. گامبریچ ا. ه.، تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، تهران، نشرنی، ۱۳۷۹.
 ۱۳. لاهیجی ش.، کار م.، هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ، تهران روشنگران، ۱۳۷۱.
 ۱۴. مجیدزاده ی.، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
 ۱۵. ملک شه میرزادی ص.، ایران در پیش از تاریخ، باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران، انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۷۸.
 ۱۶. ملک شه میرزادی ص.، ایران در پیش از تاریخ، باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران، انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
 ۱۷. ملک شه میرزادی ص.، مجموعه دروس باستان شناسی و هنر پیش از تاریخ (مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر)، تهران، مارلیک، ۱۳۷۵.
 ۱۸. یونگ ک. گ.، انسان و سمبل هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران، جامی، ۱۳۸۳.
 ۱۹. هاووزر آ.، تاریخ اجتماعی هنر، ترجمه امین مؤید، تهران، چاپخش، ۱۳۷۲.
 ۲۰. هول ف.، باستان شناسی غرب ایران، زهرا باستی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
 ۲۱. هول ف.، نوسنگی در ایران، ترجمه امیر ساعد موجشی، باستان پژوه، سال دهم، شماره ۱۶، صص ۸۳-۷۳، ۱۳۸۷.
 ۲۲. هینس و.، دنیای گمشده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۳. Ackerman, P., Cult figurines, in: A. U. Pope (ed.) A survey of persian art, from prehistoric times to the present, *sireush press*, Tehran, ۱۹۷۷.

۲۴. Alizade, A., Tepe Abdul Hosein : A Neolithic Site in Western Iran Excavation ۱۹۷۸ by Judith Pullar, *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. ۵۷, No. ۲, PP. ۱۴۶-۱۴۸, ۱۹۹۸.
۲۵. Bailey, D. W., The anti-rhetorical power of representational absence : incomplete figurines from the Balkan Neolithic, in : C. Renfrew & I. Morley (eds.) *Material beginnings : a global prehistory of figurative representation*, *McDonald institute Cambridge*, Cambridge, ۲۰۰۷.
۲۶. Banning, E.B., Housing Neolithic Farmers, *Near Eastern Archaeology*, Vol. ۶۶, No. ۱/۲, PP. ۴-۲۱, ۲۰۰۴.
۲۷. Broman Morales, V., figurines and other clay object from sarab and cayonu, *Oriental Institute communications*, no. ۲۵, pp. ۳-۱۸, Chicago, ۱۹۹۰.
۲۸. Broman Morales, V., Jarmo figurines and other clay object, In: *Prehistoric Archaeology along the Zagros flanks*, L. Braidwood & R. J. Braidwood & B. Howe & C. Reed & P. J. Watson (eds), *the oriental institute of the university of Chicago*, Vol. ۱۰۵, No. ۷, PP. ۳۶۹-۴۲۳, Chicago, ۱۹۸۳.
۲۹. Bruck, j., Ritual and Rationality ; some problem of representation in European archaeology, in : T. Insoll (ed.), *Archaeology of identities* *Routledge*, London, ۲۰۰۷.
۳۰. Cauvin, J., *The Birth of the Gods and the Origins of Agriculture*, *Cambridge University Press*, Cambridge, ۲۰۰۰.
۳۱. Deams, A., The iconography of pre-Islamic women in Iran, *Iranica antique journal*, Vol. ۳۶, PP. ۱-۱۵۰, ۲۰۰۱.
۳۲. Deams, A., On prehistoric human figurines in Iran: Current knowledge and some reflections, *Iranica antique journal*, Vol. ۳۹, PP. ۱-۳۱, ۲۰۰۴.
۳۳. Eliade, M., *The Encyclopedia of Religion, Paleolithic Religion*, VOL. ۶, New York. ۳۳
۱۹۸۶.
۳۴. James, E.O., *The Ancient Gods*, Weidenfeld and Nicolson, London, ۱۹۶۰.
۳۵. Kamp, K. A., Prehistoric children working and playing : a southwestern case study in learning ceramics, *journal of anthropological research*, Vol. ۵۷, No. ۴, PP. ۴۲۷-۴۵۰, ۲۰۰۱.
۳۶. Mellaart, J., *Catal Huyuk, A Neolithic Town in Anatolia*, *McGraw-Hill*, London, ۱۹۶۷.

۳۷. Muscarella, O.W., Hacilar Ladies: Old and New, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, vol. ۳۰, No. ۲, pp. ۷۴-۷۹, ۱۹۷۱.

۳۸- Renfrew, C., *Inception of agriculture and rearing in the Middle East*, C. R. Palevol, NO. ۵, PP. ۳۹۵-۴۰۴, ۲۰۰۶.

۳۹- Ucko, P.J., *The interpretation of prehistoric anthropomorphic figurines*, *The Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*, Vol. ۹۲, No. ۱, pp. ۳۸-۵۴, ۱۹۶۲.

۴۰- Schmandt, B. D., *Animal Symbols in Ain Ghazal*, in *Expedition*, Vol. ۳۹, No. ۱, PP. ۴۸-۵۸, ۱۹۹۷.

۴۱- Schmandt, B. D., *Ain Ghazal Monumental Figures*, in *Basor* ۳۱۰, PP: ۱-۱۶, ۱۹۹۸.



نقشه ۱. نواحی چهارگانه غرب ایران

آذربایجان، زاگرس مرکزی، سرزمین‌های پست خوزستان، دشت‌های کوهستانی فارس

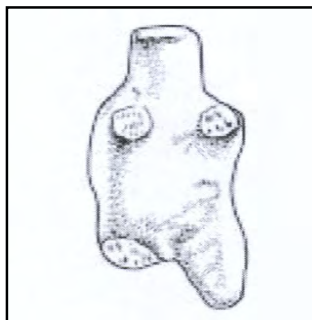
نوع پیکرک	تعداد	جنسیت	نقطه شکستگی	پوشش سطح	محل کشف
درازکش ساده	۳	نامشخص	در بازوها و پاها	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
نشسته ساده	۱۷	نامشخص	در سر و کمر	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
نیم تنه مؤنث	۱۵	مؤنث	در سر، بازوها، کمر و پاها	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
نیم تنه مذکر	۱۸	مذکر	در سر، بازوها و پاها	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
اشکال ترکیبی	۳۰۵	زنان باردار	در سر کمر	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
تجریدی زنان ساقه‌ای شکل	۱۰۲	مؤنث	اغلب در سر و اکثراً پاها	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی
تجریدی زنان حلزونی	۶۸	مؤنث	اغلب سر و کمر	نشانه‌ای از پوشش سطح وجود ندارد	گودال‌های خاکستر یا لایه‌های مسکونی

جدول ۱. انواع پیکرک‌های سراب

(Deams, ۲۰۰۴: ۲۹)



شکل ۲. پیکرک نوع ۲ تپه سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



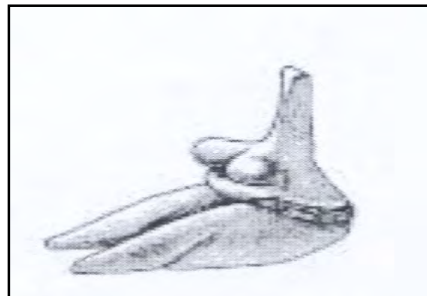
شکل ۱. پیکرک نوع ۱ تپه سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



شکل ۴. پیکرک نوع ۴ سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



شکل ۳. پیکرک نوع ۳ سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



شکل ۵. پیکرک نوع ۵ سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



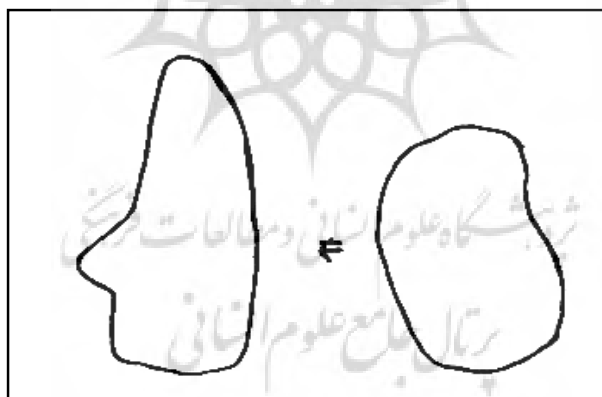
شکل ۶. پیکرک نوع ۶ سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)



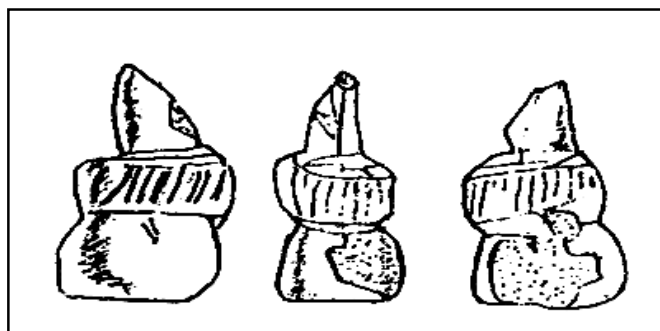
شکل ۷. پیکرک نوع ۷ سراب
(Deams, ۲۰۰۴: ۸)

نوع پیکرک	جنسیت	نقطه‌ی شکستگی	پوشش سطح	محل کشف
ساده	نامشخص	ذکر نشده	صیقل داده شده	سطوح استقراری
زنان باردار	مؤنث (زنان باردار)	همان	صیقل داده شده	سطوح استقراری
دارای پایه	مؤنث (زنان باردار)	همان	صیقل داده شده	سطوح استقراری
اشکال ترکیبی	مؤنث	در ناحیه پستان‌ها، بازو و سر	صیقل داده شده	سطوح استقراری

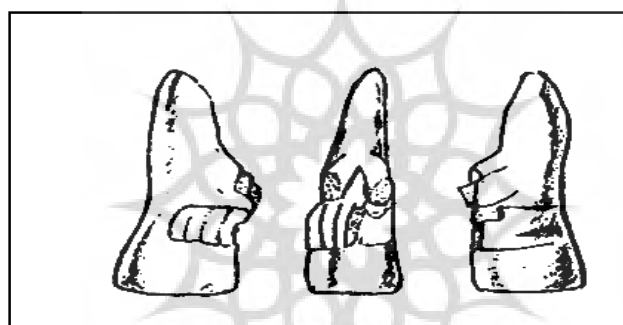
جدول ۲. پیکرک‌های گنج دره
(Deams, ۲۰۰۴: ۲۹)



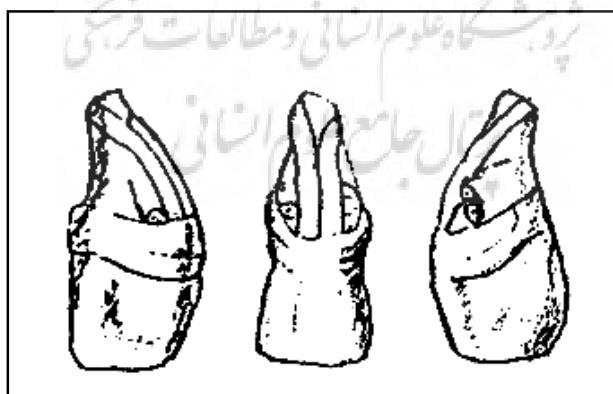
شکل ۸. پیکرک نوع ۱ گنج دره
(Eygun, ۱۹۹۲: ۱۱۱)



شکل ۹. پیکرک نوع ۲ گنج دره (Eygun, ۱۹۹۲:۱۱۱)



شکل ۱۰. پیکرک نوع ۳ گنج دره (Eygun, ۱۹۹۲:۱۱۱)



شکل ۱۱. پیکرک نوع ۴ گنج دره (Eygun, ۱۹۹۲:۱۱۱)